

در مبارزه با فساد عزمی نمی‌بینم

یاشار سلطانی، فعال رسانه‌ای در برنامه
پاراگراف «اعتماد آنلاین»:

مبارزه با فساد ابزاری شده است
برای حذف جریان رقیب یا پوشش
یک سری اقدامات و یا بحث
انتخاباتی

سیما پروانه‌گهر | میهمان این قسمت از برنامه پاراگراف اعتماد آنلاین یکی از اصلی‌ترین چهره‌هایی است که در مورد پرونده‌های مفاسد اقتصادی سوت زده است. سوت‌زنی اگرچه این روزها اصطلاحی است که در اخبار و مطبوعات زیاد شنیده می‌شود اما سابقه آن در جمهوری اسلامی به دهه ۷۰ بازمی‌گردد. از آن زمان تا امروز هم تعداد سوت‌ها افزایش یافته و هم سوت‌زن‌ها، البته همگام با این دو تعداد صفرهای مقابل اعداد اختلاس و مفاسد اقتصادی هم رشد قابل توجهی داشته است. چرا این روند تصاعدی ادامه دارد؟ من سیما پروانه‌گهر هستم و در این برنامه پاراگراف با آقای یاشار سلطانی، خبرنگار و محقق در زمینه مفاسد اقتصادی، درباره این موضوع صحبت کردیم که سوت‌زنی چیست؟ چرا سوت‌زنی در حال تدوین قانون برای خود است؟ آیا این قانون می‌تواند به سوت‌زن‌ها کمک کند، ضامن امنیت آنها باشد یا مخل فعالیت آنها خواهد شد و از همه مهم‌تر تاثیر سایه امن تحریم بر تداوم فعالیت چرخنده‌های سنگین مفاسد اقتصادی تا چه اندازه است؟ با ما همراه باشید.

بسم الله الرحمن الرحيم، آقای سلطانی خیلی به برنامه «پاراگراف»
اعتماد آنلاین خوش آمدید. ممنون از اینکه دعوت ما را قبول کردید.
سلام من ممنونم که دعوتم کردید، در خدمت شما هستم.

زنده باشید. شما یکی از چهره‌های اصلی در جریان سوت‌زنی و افشای پرونده‌های مفساد اقتصادی هستید. این روزها خیلی صحبت تدوین قانون برای این موضوع می‌شود. اگر بخواهم اولین سوال را خیلی فشرده از خدمت شما بپرسم این است که از زمان شما از دهه 70 پرونده‌هایی که در این خصوص افشا شد، به نظر می‌آید چهره‌های اصلی آنها چندان از دایره تصمیم‌گیری و دایره‌های مدیریتی کنار نرفته‌اند و یک باور کلی وجود دارد که گویا این سوت‌زده‌ها به جایی نرسیده است، به همین دلیل باید بگویم آقای سلطانی چرا سوت می‌زنید؟

عرض کنم که بله ماجرای سوت‌زنی و بحث مبارزه با فساد تقریباً پس از انقلاب و از دهه 70 شکل گرفت و ما مواجهه حاکمیت با این قضیه را به مصادیق و موارد مختلف شاهدیم که چگونه برخورد شد. شما اگر خاطرتان باشد اولین پرونده، پرونده 123 میلیاردي بانک صادرات بود. آنجا چه اتفاقی افتاد؟ اولین اتفاق تبعیض بود، فاضل خداداد را اینجا آوردند و اعدام کردند و برادر آقای رفیق‌دوست آزاد شد. پس ما تبعیض را در اولین مراحل و موارد مبارزه با فساد در ایران دیدیم.

یعنی با علم به این تبعیض این روند ادامه پیدا کرده است؟ ببینید، یک چیزی به نام مطالبه هست که [گهگاه] می‌تواند از طرف حاکمیت یا مردم اتفاق بیفتد. اگر بحث مبارزه با فساد تاکنون روی پا ماندگار بوده به خاطر این است که تبدیل به مطالبه مردمی شده و به تدریج در حال تبدیل شدن به یک مطالبه ملی است، زیرا به حدی حجم فساد گسترده و تقریباً غیرقابل کنترل است که ما هیچ راهی جز اصلاح ساختار و تغییر در حکمرانی نداریم که بعداً اگر تمایل داشتید به این موضوع خواهیم پرداخت. اما به قدری این موضوع با روند فعلی گسترده و تبعیض‌آمیز شده که اصلاً امکان اینکه مبارزه با فساد شکل بگیرد به صورت جدی، مطلقاً وجود ندارد و هرچه گفته شود هم حکم شواف تبلیغاتی، رسانه‌ای یا کاربرد انتخاباتی یا سردرگم کردن مردم را دارد. ما در دهه 70 بحث آقای کرباسچی شهردار وقت تهران را داشتیم که به رغم انتقاداتی که [درباره] شیوه شهرسازی ایشان و تفکر و شیوه پول درآوردن از شهر وجود داشت، به‌رغم تمام آن انتقادات دادگاه‌شان برگزار شد و قاضی پرونده‌شان هم آقای محسنی اژه‌ای بودند که الان رییس قوه قضاییه هستند. اگر بخواهیم نوع شیوه مبارزه با فساد و نوع نگاه را مثال بزنیم، یک تفاوت خیلی خیلی آشکار از دهه 70 تا اواخر دهه 90 که شاهد یک بوق و کرنای مبارزه با فساد بودیم وجود داشت و آن تفاوت این بود که فکر می‌کنم ساعت 9 یا 10 شب بود که تمامی مراحل رسیدگی به دادگاه به صورت کامل در تلویزیون پخش شد.

بله. سال‌هایی بود که خیلی شایعه زلزله هم مطرح بود، اما همه این دادگاه‌ها را می‌دیدند.

احسنت. من همه آن دادگاه‌ها را در تلویزیون دیدم؛ یعنی يك دادگاه واقعا علنی با هر رویکردی اعم از سیاسی یا غیرسیاسی بود. اما الان حتی سیستم این را هم تحمل نمی‌کند. پرونده‌های متعددی که برخی از آنها را من روی‌شان کار کردم، عین ظلم روی آن پرونده‌ها اتفاق افتاده است زیرا نه تنها مبارزه با فساد نبود و نه تنها چیزی جز شوآف نبود، اما عین ظلم در جهت تخریب منابع و سرمایه‌های ملی اتفاق افتاد؛ به این ترتیب که موارد مذکور تضعیف شدند، چیزهایی تکه‌تکه از صحبت يك قاضی مطرح می‌شد زیرا نزدیک انتخابات بود و حتما نیاز بود که يكسری اتفاقات رخ دهد. تا زمانی که این اتفاقات نمایشی باشد و موضوعات بحث مبارزه با فساد، جنبه تزئینی، دکوری و جمع کردن رای برای جریان‌های سیاسی، احزاب و تشکله‌ها داشته باشد هیچ امیدی به بحث رفع فساد در این کشور نخواهیم داشت. [حتی] با تمام تلاش‌هایی که من طی این سال‌ها کرده‌ام و زندگی‌ام را پای این قضیه گذاشته‌ام، در ساختار و شیوه حکمرانی فعلی من امیدی به اصلاح به شکل مطلوبی که مد نظر من است، نمی‌بینم.

قانون فعلی را چطور می‌بینید؟ آیا بیشتر ابزار می‌شود... من می‌بینم بعضی از چهره‌های جریان عدالت‌خواه به صورت معدود، ابزار امیدواری کرده‌اند که این قانون بتواند يك نقطه شروع باشد، اما به صورت کلی حقوقدان‌ها معتقدند این قانون اتفاقا ابزاری برای برخورد با سوتزن‌ها خواهد بود.

در سال 95 که ماجرای املاک نجومی مطرح شد، برخورد سیستم قضایی چه بود؟ من بازداشت شدم. اما پنج سال بعد مرکز پژوهش‌های همان ساختار از من دعوت کرد که برای تدوین قانون مشورت بگیرد...

مرکز پژوهش‌های قوه قضاییه؟

بله. چند وقت پس از آن مرکز پژوهش‌های مجلس از من دعوت کرد تا در رابطه با تدوین قانونی که مرکز پژوهش‌ها روی آن کار می‌کند، کمک کنم. ببینید، تلاش‌هایی که ما کردیم و امیدی که حداقل با نشانه‌های خیلی کوچکی که به این شکل می‌بینیم ما را امیدوار کرده تا همچنان بایستیم. یعنی وقتی به عنوان يك فرد روزنامه‌نگار مطلبی را می‌زدید سریعاً به انفرادی، اوین و... منتقل می‌شدید. الان از شما دعوت می‌شود که در رابطه با تدوین این قانون کمک کنید. من نمی‌گویم اتفاق خیلی

بزرگی افتاده است...

زیرا توامان کنار آن نمونه‌هایی داریم که به زندان می‌روند...

دقیقا. مثلا من بیش از 11 سال است که در دستگاه قضایی پرونده و برو و بیا دارم. احکام می‌آید و برخوردها و شیوه‌های عجیبی که برخی از اوقات بعضی از آنها مایه تاسف است. یعنی شما وقتی موضوعی را با سند مطرح می‌کنید... چون من تقریبا هیچگاه موضوعی را بدون سند منتشر نکردم. خیلی بستگی دارد که نگاه و رویکرد آن قاضی یا بازپرس پرونده در رابطه با مقوله مبارزه با فساد چه باشد. یعنی بندهای قانونی خیلی برای نجات شما از محکمه موثر نیست.

این خودش خلأ خیلی بزرگی است.

بله خلأ بزرگی است. هنوز که هنوز است آن افسر اطلاعاتی، مامور امنیتی، کارشناس پرونده، ضابط قضایی، بازپرس پرونده، قضات مختلف بدوی، تجدیدنظر، دیوان و... جایی که ما همیشه با اینها سروکار داریم و درگیریم، برای هر يك از آنها باید سه، چهار ساعت وقت بگذاریم و بحث مبارزه با فساد را برایشان تشریح و آنها را قانع کنیم که نیت و هدفمان خیر است- البته بحث قانون مبارزه با فساد هم ایراداتی دارد که در حال بررسی است- عموما در چنین شرایطی شما را به عنوان فصول می‌بینند که این موضوعات چه ارتباطی به شما دارد؟ می‌گویند آیا مگر کشور نهاد نظارتی، امنیتی، سیستم دستگاه قضایی، سازمان بازرسی و... ندارد؟ بله همه اینها را دارد، ما 15، 16 نهاد امنیتی- نظارتی و کلی تشکیلات داریم. عموما همیشه هم اینها به پرونده‌ها ورود کرده‌اند، اما خروجی‌ای نداشته و علت ایرادی است که ما در ساختار و شیوه حکمرانی‌مان داریم.

پس قبول دارید که موضوع سوت‌زنی در مورد افراد تکرار می‌شود در صورتی که ساختار است که پرونده‌ها را فسادزا می‌کند؟ سوال من از شما که در چند مورد پرونده بودید، این است که به نظر می‌آید شما آدمِ ایکس را از این سیستم به خاطر پرونده فساد بر اساس يك سوت‌زنی، اصلا بگوییم این اتفاق می‌افتد و برداشته می‌شود، نفر بعد مشابه همین اتفاق را در درازمدت تجربه می‌کند. پس ساختار است که امکان فساد را می‌دهد نه افراد و سوت‌زن‌های ما در ایران که راجع به افراد سوت می‌زنند.

همین را عرض می‌کنم. بحث سوت‌زن‌ها را که می‌فرمایید فعلا چهار، پنج نفر بیشتر نیستند که خیلی مشخص روی این موضوع کار می‌کنند و عموما هم من خودم را عرض می‌کنم که تنها هستم و بدون هیچ پشتوانه مالی، امکانات یا تشکیلاتی. اما مگر يك آدم چقدر توان دارد و چقدر

می‌تواند در مقابل هیولای فساد که تقریباً ساختار را گرفته است مبارزه کند؟ چقدر انرژی دارد که صبح تا ساعت 2 را برای دادگاه و کارهای دفاع از خود بگذارد و بعد از ظهر هم دنبال آرمان‌های... زندگی روزمره است...

نه همان آرمان‌های بحث مبارزه با فساد و پرونده خونی و... چون وقتی سندی می‌آید دستگاه کپی‌پیست که نیست، من روی یک موضوع، حداقل پرونده‌ای که اخیراً در دست دارم و در مورد آن برنامه می‌سازم و عین... (نام بیاورم و با مصداق صحبت کنم) در مورد پرونده پتروشیمی PCC کار می‌کنم، در تلویزیون هم نشان دادم که بزرگ‌ترین پرونده اقتصادی در ایران است که 6/6 میلیارد دلار حجم پرونده بود. هیچ چیزی در آن نبود و جز شکستن کمر پتروشیمی ایران و جز دادن فضای پتروشیمی ایران به سابیک عربستان و جز اینکه پتروشیمی ایران که جزو جاهایی شده بود که در دنیا قیمت تعیین می‌کرد و شما کمرش را با یکسری دادگاه‌های نمایشی شکستید، هیچ چیزی در آن نبود...

یعنی اصلاً تخلفی راجع به پرونده رخ نداده بود؟
هیچ چیزی در آن نبود. ما از این پرونده‌ها متعدد داریم و من دارم برنامه‌های آن را می‌سازم.

موضوع مبارزه با فساد تا چه حد یک ابزار سیاسی شده است؟ ابزار سیاسی‌ای که حاکمیت یا یک بخشی از نیروهای سیاسی می‌توانند از طریق آن رقبايشان را حذف کنند؟ چون به نظر می‌آید سوت‌زن‌هایی در حال ایجاد هستند.

شما اصطلاح قشنگی به کار می‌برید، اما من می‌خواهم خیلی عامیانه‌تر بگویم که دکان‌دستک شده است، آن‌هم در جریان‌ات سیاسی و حاکمیتی، یعنی دغدغه نیست، اگر شما دغدغه داشتید ساختار را اصلاح می‌کردید. ما در موارد مختلف از مرز بحران گذشته‌ایم و به بحث فروپاشی می‌رسیم؛ فروپاشی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، مالی، سرمایه‌گذاری و... اگر بخواهیم به مصداق ورود کنیم در حوزه نفت، پتروشیمی، آموزش یا هر چیز دیگری. بحران را رد کرده‌ایم. شما برای بحران چه برنامه‌ای دارید؟ حال بحث مبارزه با فساد یا مباحث دیگر هم در کنار این. شما نمی‌توانید با یک ساختار آلوده ادعا و خواست این را داشته باشید که مثلاً ما در کنار آن یک قانون سوت‌زنی هم داشته باشیم.

در شهرداری تهران چه اتفاقی افتاد؟ با آمدن اصلاح‌طلبان و تلاش عده‌ای از اعضای شورای شهر سامانه‌ای راه افتاد که قراردادها را منتشر کردند. برخی از آنها را البته مهر محرمانه زدند که من اعتقادی به این محرمانگی‌ها ندارم، چون خودم هم محرمانه داشته باشم منتشر می‌کنم، اما آنها حتی قابلیت محرمانگی ندارد. اما چه

اتفاقي رخ داد؟ شهردار بعدي که آمد دکمه اين روند را زد و خاموش شد، به همين راحتی. الان وزير دولت آقاي رييسي آمده و بحث سوتزني را مطرح ميکند، اصلا اساس اشکال و فساد اصلي و سرتاپاي آن خود وزارتخانه است با همين تصميمات شبانه که ميگيرند اين آزاد و آن بسته ميشود و واردات ديگري ممنوع ميشود. ببينيد در اين تغييرات چه اتفاقاتي رخ ميدهد و چه رانتهايي جابه جا ميشود. اگر همان وزارتخانه قانون يا شيوه مديریت وزارتخانه را اصلاح کند بخش اعظمي از مشکلات کشور حل ميشود. بعد شما ميخواهيد که يك نفر بيايد دو تا سوت بزند و گزارش بدهد؟! خب چه اتفاقي ميافتد؟ اينها شو است، چيزي که با رفتن و آمدن وزير ايجاد شود يا برداشته شود تماما نمايش است.

من درست برداشت ميکنم که ارادهاي براي مبارزه با فساد نيست؟
بله.

چون طرف مقابل يا بعضي ناظران که خودشان را بيطرف ميدانند، ميگويند اين سوتزنها هستند که به موقع سوت نزدند يا اگر پروندههاي فساد را افشا کردند ابزار سياسي بودند. کدام طرف دارد قصور ميکند؟

ببينيد، اولاً اين مملکت 16، 17 نهاد نظارتي- امنيتي دارد که همه آنها ساختار و تشکيلات دارند، حقوق ميگيرند و بودجه دارند، انتظاري که...

با اين دیدگاه، بنا بر اين قانوني براي حمايت از سوتزنها لازم است؟

اينها جيب ما را نزنند نيازي نيست حمايت کنند. اينها فقط وقتي فردي در مورد يك پرونده سندي منتشر ميکند يا از يك فسادي نام ميآورد، مطرح ميکنند و نهايتاً رسانههاي اش ميکنند. اين فرد مصونيت داشته باشد، مصونيت هم نه به آن معنا که کسي شکايت نکند، بلکه اگر شکايتي کرد و خلاف واقع بود با آن فرد برخورد کنند. نه اينکه وقت من صرف شود. مثلاً من يك پرونده دارم که پنج سال است براي آن رفت و آمد ميکنم...

به نتيجهاي هم نرسیده است؟

نه به نتيجه نميرسد چون اين راي را ميدهد و ديگري نقض ميکند و به سمت آن يکي ميرود، نقض ميکند و دوباره شکايتي ميشود و ادامه ماجرا و من پنج سال است که درگير آن هستم. من آدم تنهائي که در اين حوزه فعاليت ميکنم، چرا بايد بخش اعظمي از وقت و انرژي ام در دستگاہ قضا بگذرد که بخواهم از خودم دفاع کنم در صورتي که همه موارد هم مستند است و براي آن سند وجود دارد. در حال حاضر هم اصطلاح جديدي هست که هر چقدر مستند و درست بگوئيد در آخر ميگويند...

القاي نااميدي كرديد؟

دقيقا، مردم را دلسرده مي‌كنيد. خب آن فساد مردم را دلسرده مي‌كند، عدم برخوردار شما مردم را دلسرده مي‌كند. هنوز نمي‌فهميد كه خيرخواه‌تان چه كسي است، هنوز متوجه اين نيستيد كه همين پرونده 92 هزار ميليارد، چه شد و چه اتفاقي براي آن افتاد؟ دادستان كل كشور مي‌گويد كه من دو بار زنگ زدم و سه بار هم از دفتر پيگيري كردم، هنوز تحقيق و تفحص را نمي‌آورند كه رسيدگي قضايي كنيم. آيا مگر تخلف اتفاق نيافته است؟ دادستان بايد در اين مجلس را بزنده؟ شما كه ادعاي دادگاه انقلابي مي‌كرديد، شما كه ادعاي بحث شفافيت و هزاران ادعاي ديگر داشتيد و با همين ادعاها به مجلس رفتيد.

بر اساس همين موضوعي كه شما ترسيم مي‌كنيد، به نظر مي‌آيد فضايي هست كه خيلي كار كردن درون آن سخت است. اخيرا لايو اينستاگرامي از چهره‌هايي بود كه سابقه و پرونده در اين موضوع داشتند. از آقاي نصيري كه از دهه 70 در روزنامه‌شان اين كار را انجام مي‌دادند تا آقاي اشترى كه اخيرا پرونده‌شان مطرح شده است. آقاي صدرالساداتي در آن بحث نکته‌اي را مطرح مي‌كرد كه - بر اساس تجربه خودشان- ديگر نبايد سوت‌زني كرد. ايشان مي‌گفت اگر ما سكوت كنيم اين روند فساد به جايي ميرسد كه خودش مجبور ميشود خودش را اصلاح كند يا تصميمات ديگري براي آن گرفته ميشود. اما معتقد بود اين روند سوت زدن هيچ نتيجه‌بخشي‌اي ندارد چون كسي نمي‌خواهد اين صداي سوت را بشنود.

اينكه كسي نمي‌خواهد صداي سوت را بشنود درست است، در ساختار بله نمي‌خواهند بشنوند. بخش اول خيلي جالب است كه در يكسري از رفت و آمدهاي دادگاه، يك فردي كه صاحب راي هم بود به من گفت كه دنبال زندگيات برو تو اگر چهار تا پرونده بگويي مساله حل ميشود؟ اصلا حل نميشود و هيچ اتفاقي هم نمي‌افتد، تو فقط ميروي و مي‌آيي و يك حكم مي‌گيري، همين. اين نگاه يك قاضي بود، البته ما قضات خيلي درست و درمان هم داريم كه دغدغه مند...

بله دغدغه مند هستند...

كه وقتي ميرويد عزت و احترام دارند و تشكر مي‌كنند از اينكه براي كشور به اين شكل كار مي‌كنيد. اما از طرف ديگر فرادي هم داريم كه نگاهی دارند كه خيلي عجيب و غريب است. گاهي اوقات يك افسر اطلاعاتي اعلام مي‌كند كه 10 سال است روي ما كارهاي فلان انجام مي‌دهد و ساليان سال ما را تحت نظر داشته است و برچسب ضدانقلاب، معاند و... مي‌زند. مي‌گويم شما به قول خودت 10 سال كار كرده‌اي، خب 10 دقيقه با خودم حرف مي‌زدي تا ببيني دغدغه‌اي كه من دارم اصلا ارتباطي به اين نظام، نظام بعدي و قبلي ندارد. بحث دفاع از منافع ملي است، هر ساختار حكمراني و حكومتي بيايد، ۱۰ حكومت هم عوض بشود و... يا

این بماند، اصلاً به من ارتباطی ندارد، من در جهت حفظ منافع ملی کاری نمی‌کنم چه این باشد و چه آن، شما چرا موضوع را سیاسی یا انقلابی، ضدانقلابی می‌کنید؟ اصلاً برای من اهمیتی ندارد که چه کسی هستی و اینجا نشسته‌ای. بحث دفاع از منافع ملی است، بحث اینکه این سرمایه دارد از دست می‌رود و از بین می‌رود. حال تو نباشی یک افسر یا کارشناس دیگری، اینکه تو بالا و پایین بروی اصلاً برای من اهمیتی ندارد...

موضوع نتیجه گرفتن چطور؟ برای شما اهمیت دارد یا شما برای خودتان تکلیفی را قائل هستید و آن را ادامه می‌دهید؟ چون حداقل در مورد شخص شما از اولین پرونده‌هایی که گفتید - من اصلاً عنوان اتهام را به کار نمی‌برم - موردی که درباره‌اش اتهام پرونده نجومی مطرح بود، در جایگاه بعدی اتهام دیگری مطرح شد و در جایگاه بعدی اتهام دیگری مطرح شد. این روند ادامه دارد.

اولین موضوعی که من کار کرده بودم و خیلی رسانه‌ای شد سال 93 در رابطه با داماد آقای نعمت‌زاده بود. و آن تخلفی که... این دولت که سال 92 آمده بود. یکسری بحث چپ یا راست بودن من را دارند که وابسته به این دولت یا آن دولت هستی...

شما سال 93 مورد داماد آقای نعمت‌زاده را گفتید...

بله. داماد آقای نعمت‌زاده را منتشر کردم...

چون من تصورم این است که جریان می‌خواست وزرای دولت آقای روحانی پرونده داشته باشند؟

خیر. این‌طور نیست. من خودم به این موضوع رسیده بودم. دیتایی هم که به دست آوردم در آن مجموعه افرادی که...

نه اینکه کسی این دیتا را به شما داد، اما سکوت شد تا رسیدگی شود.

اصلاً پیگیری نکردند.

به هر حال همین که...

رسیدگی نکردند. ببینید، یک تصویری هست که مثلاً اگر یاشار کار می‌کند وابسته به این جریان یا آن جریان است، اگر صبا آذریک کار می‌کند وابسته به جریان دیگری است و... این مباحث هست که دیتا را از این طرف یا آن طرف می‌دهند. این خیلی اهمیت ندارد، البته یک چیز خیلی مهم است، اینکه بدانی که بازیچه نشوی، ابزار نشوی، خب آن هم شیوه‌های خیلی مختلفی دارد و خود من شخصا از آن شیوه‌ها خیلی در کارم به کار نمی‌برم که وارد بازی‌های جریانی یا مسائلی که احیاناً خدایی نکرده یک فردی بخواهد ابزار شود، وارد آن داستان‌ها نشوم. اما اینکه بخواهیم همه‌چیز را جریانی، حزبی، گروهی و... بدانیم حداقل در مورد خود من درست نیست.

قبول ندارید که این موارد خطی دارد و از این خط نمی‌شود جلوتر رفت و بعضی چهره‌ها آن طرف خط ایستاده‌اند و بعضی چهره‌ها این طرف. مثلا بعضی از وزرا و مسوولان همیشه آن طرف خط قرمز هستند و نباید در مورد آنها گزارشی داده شود. این طرف خط قرمز اما اگر افشاگری حرفی زد می‌شود سکوت کرد تا به آن رسیدگی شود. نه به این معنا که شما ابزار يك جریان شده‌اید، به این معنا که ظاهرا نصف آدم‌هایی که مدیر و مسوول هستند در يك محدوده‌ای قرار دارند که نباید در مورد آنها صحبت شود.

باید در اینجا مثالی خدمت‌تان بزنم، من در رابطه با یکی از مسوولان ارشد امنیتی کشور چند وقت پیش مطلبی را منتشر کردم. نگاه دستگاه قضا در مورد شیوه‌ای که من و مستنداتی که من منتشر کردم، خیلی مثبت بود و حتی حکم جلب پسر آن مسوول هم صادر شد.

یعنی از این مدل همکاری‌ها هم وجود دارد؟

همکاری نه. مستندات همه‌چیز بود فقط مغرضانه رسیدگی نشد، عادلانه رسیدگی شد. یعنی ساختار دستگاه قضا این‌طور تعریف شده که باید عدالت را اجرا کند، پرونده در موضوع با عدالت برخورد شد. اما فکر می‌کنید بعد از آن چه اتفاقی رخ داد؟ آن‌طور که من شنیدم تصمیم گرفته شد پرونده‌های ما از این به بعد در دادرسی‌های دیگری بررسی شود و من الان برای چهار توییتی که زده‌ام باید به دادرسی امنیتی بروم. این هزینه همان خط قرمزی است که شما می‌گویید. ببینید، آدم‌هایی که فساد می‌کنند این‌طور نیست که مدیرعامل فلان مجموعه باشند، اصلا این‌طور نیست، آدم‌هایی که فساد می‌کنند یا خودشان در بالاترین سطوح قدرت هستند یا به افرادی که قدرت دارند وصل هستند...

اتصال‌های قوی دارند.

...و غیر از این نیست و نمی‌تواند غیر از این باشد، من می‌توانم برای شما کلی از این موارد...

البته این فقط مختص کشور ما نیست. عموماً مقوله فساد همه جای دنیا به همین شکل است و از قدرت ناشی می‌شود. اما موضوع این است که به نظر می‌آید ما يك مقدار از بعضی کشورها که در این زمینه جلوتر هستند، در رابطه با رسیدگی به موضوع، گوش دادن به رسانه و گوش دادن به افشاگر فساد، عقب‌تر هستیم.

رسیدگی به موضوع و گوش دادن به رسانه بخش‌های آخر داستان است. شما باید ساختارشان را بچینید...

که اصلا فسادی اتفاق نیفتد.

این فساد در کجا اتفاق می‌افتد؟ مثلا پرونده سه هزار میلیاردی که اتفاق افتاد که آقای خاوری فرار کرد، من به آن پرونده هم تا حدودی ورود کردم. اصلا چیزی که می‌گویند نیست. اصلا پولی در پرونده

سه هزار میلیاردی گم نشده است.

پس این داستان از کجا درآمده است؟

از يك اختیاراتی که افراد می‌توانستند داشته باشند سوءاستفاده شده، فقط همین. هیچ پولی دزدیده نشده است، يك ریال کم نشده است.

عموما هم با ابزار دور زدن تحریم؟

نه اصلا دور زدن تحریمی نبود. يك شرکت...

یعنی هیچ پولی این وسط گم نشده که آقای خاوری مسوول آن باشد؟

اصلا من تعجب می‌کنم که خاوری فرار کرد. اصلا در آن پرونده اتفاقی نیفتاده بود. يك فیش نشان بدهند که از آن سه هزار میلیارد 10 هزار تومان کم شده است. اصلا پولی کم نشده است. نهایتش يك تخلف در بخش بانکداری بود. يك تخلف بود. که رییس يك شعبه خارج از اختیاراتش آمد... من نمی‌گویم رشوه داده شد یا نشد، هزار تا اتفاق دیگر... رشوه در ساختار به شکلی جا افتاده که اگر نباشد متاسفانه هیچ کاری جلو نمی‌رود. اما اصلا در پرونده سه هزار میلیاردی هیچ اتفاقی نیفتاد.

در مورد آقای جهرمی چطور؟

آقای جهرمی اشتباه کرد. آقای جهرمی نگذاشت... آخر آقای جهرمی... یکی از دلایل ناکارآمدی سیستم همین است. آقای جهرمی چند دقیقه تخصص بانکداری داشت که شد مدیرعامل بانک صادرات؟ می‌گویم چند دقیقه؟ حالا ایشان را مدیرعامل بانک صادرات کردند، اما اگر آقای جهرمی يك ماه فرصت می‌داد آقای امیرمنصور آریا (که اعدام هم شد)، اگر يك ماه به او فرصت می‌دادند، تسویه‌هایش را انجام می‌داد. امیرمنصور آریا اصلا بدهکار بانکی نبود و يك تخلف و سوءاستفاده شده بود، اما برای توسعه مجموعه‌اش. پولی خورده نشده بود. اتفاقا یکی از مشکلاتی که ما داریم همین است.

آقای سلطانی، این پرونده شمایل برخورد با فساد است، یعنی هر وقت می‌خواهند بگویند برخورد خیلی قاطعی با فساد شده است این پرونده را [پیش می‌کشند]؟!

آقای مظلومین را اعدام کردند، چه اتفاقی افتاده بود؟ مظلومین کاری نکرده بود. ولی اعدام شد. بیایند و بگویند که چه کار کرده بود. آقای رحیمی که الان فرمانده ناجا هستند بیایند و پرونده آقای مظلومین را توضیح بدهند. شما سه هزار میلیارد را دادار دودور می‌کنید که به نظر من کاملا سیاسی بود.

چطور؟

کاملا سیاسی بود. این جریان می‌خواست آن دولت را بزند و آن دولت می‌خواست این جریان را بزند، همین بود و نه هیچ چیزی غیر از این. الان بگویند که پسر آقای واعظ طبسی کجاست؟ تخلف آستان را مطرح

کنند.

فکر نمی‌کنید در این...

برادرخانم آقای واعظ طبسی الان در کدام کشور است و چقدر بُرد؟ شما تا زمانی که بخواهید موردی و مصداقی با موضوعی برخورد کنید... الان کشور نیاز دارد... یک چیزی تیر شده که دنبال تیر بیفتد که کدام مسوول بیاید و بیشتر مصاحبه کند، عدد را گنده‌تر کند. در همین پرونده پتروشیمی پی‌سی‌سی اول گفتند 14 و خرده‌ای میلیارد دلار بعد دیدند گردش مالی‌اش است. بعد کسی که شکایت کرده بود ادعا کرد 6.6 میلیارد دلار. قاضی مصاحبه می‌کند 6.6 میلیارد دلار. بعد که رسیدگی می‌شود یکی می‌گوید 1.1 میلیارد دلار است و بعد می‌گویند بله 1.1 میلیارد دلار است. اصلاً پرونده خوانده نشده است. در پرونده به این بزرگی، بزرگ‌ترین پرونده اقتصادی کشور، یک کارشناس وجود ندارد که نظر بدهد، یک کارشناس انتخاب نکرده‌اند. این است که می‌گویم شوااف است. این است که می‌گویم مبارزه با فساد شده ابزار یا برای حذف جریان رقیب یا پوشش بریکسری اقدامات دیگر یا بحث انتخاباتی است. وگرنه من در کل ساختار و در کل حاکمیت و در مقیاسی که گفته می‌شود هیچ عزمی از بحث مبارزه با فساد نمی‌بینم. چون کسی که مجری این موضوعات می‌شود خودش باید عاری از هرگونه فساد و هرگونه رانتی باشد.

که عملاً چنین پتانسیلی وجود ندارد.

نیست. مثال بیاورید.

در نهایت چه باید کرد؟ وضعیت و خلاها مشخص است، با این ساختاری

که بی‌نهایت مستعد عفونت فساد است چه کار باید کرد؟

شما الان عفونتی را که بالا زده است، می‌بینید. عرض کردم خدمت شما که ساختار را گرفته است پس یا باید قوانین را به شکل صحیح و درست اصلاح کنید، [یا] حدود و اختیارات صندلی‌هایی را که افراد می‌نشینند، بگیرید و محدود کنید و آدم‌ها را پاسخگو کنید؛ یکی از نشانه‌های خیلی جدی که در ساختار جمهوری اسلامی ایران وجود دارد این است که آدم‌ها پاسخگوی عملکرد خودشان نیستند. کدام فردی را به خاطر اشتباهات یا تخلفات متعدد محاکمه کرده‌اند...

حتی عملکرد چه برسد به فساد...

بینید، ما همیشه آن حیف و میل را دیده‌ایم. یا بهتر است این قسمت را اصلاح کنم؛ ما همیشه میل را دیده‌ایم که چه کسی از بیت‌المال میل کرده، خورده و برده است، آن حیف‌ها را ندیده‌ایم. میزان آسیبی که آن حیف‌ها می‌زنند و آن کارهایی که نشده و آن مدیر باید می‌کرد و نکرده، آن میزان آسیب خیلی بیشتر از سطح اختلاس، دزدی یا تخلفی است که کرده‌اند. میدانید، اینها باید مشخص شود و از نظر من...

يعني در کنار پرونده‌هاي فساد بايد بحران ناکارآمدی را بررسی کنیم؟

بايد موضوع را به سمتی ببریم که به پرونده ختم نشود. نهاد اطلاعاتی و امنیتی ما نباید بایستد که اتفاقی بیفتد بعد سر بزنگاه‌ها و معامله... الان همین مشاور آقای قاسمی را دستگیر کردند، ایشان...

ایشان را که مدعی هستند به خاطر رصد توانسته‌اند بررسی کنند؛ یعنی پیش از وقوع تخلف دستگیر شد.

یعنی به دنیا آمد بزرگ شد و یکهو چنین تخلفی را کرد؟ نه، اما در عملکرد...

بايد عملکرد سابق ایشان را بررسی کنند. خب هر کسی يك گذشته و عملکردی دارد. متأسفانه همه نگاه‌ها در ساختار امنیتی و اطلاعاتی به این صورت است که ما عموماً به این سمت می‌رویم که در مرحله آخر به آن مصداق و اتفاقی که افتاده برخورد کنیم، سر بزنگاه‌ها اگر هم بخواهیم بگیریم... ما هنوز به آن فهم نرسیده‌ایم که زمینه را به شکلی فراهم کنیم که تو نتوانی یا نیاز نداشته باشی که...

خیلی ایده‌آل‌گرایانه نیست؟

همه جای دنیا چه کار می‌کنند؟

همه جای دنیا پرونده‌هاي فساد دارند.

پرونده‌ها مشخص است، مگر می‌شود فساد نباشد. اما سطح فساد را بررسی کنید. شما اختیاراتی که مسوولان...

کلاً معتقد نیستید که قدرت فسادزاست؟ یعنی از يك نگاه...

در همه جای دنیا همین است، قدرت فساد می‌آورد، ثروت قدرت می‌آورد و همه اینها مشخص است. چه فیلسوف‌هاي خارجی...

چون يك برخوردی که با این پرونده‌ها و عموماً وضعیت فساد در کشور ما می‌شود این است که مگر فقط برای ماست؟ همه جای دنیا اتفاق می‌افتد.

تا زمانی که ما شیوه حکمرانی خودمان را عوض [نکنیم] و وابسته به نفت باشیم، فساد هم وجود دارد. حذف هم نمی‌شود...

تحریم در این سال‌ها چقدر کمک کرد؟ من از بعضی کارشناسان نقل می‌کنم که معتقدند وضعیت تحریم به نفع بستر فسادزاست، چون هر چقدر فقدان شفافیت داشته باشیم، امکان فساد بیشتری هم داریم.

بخش اعظمی از اتفاقاتی که در کشور افتاد و مصیبتی که سر مردم آمد ناشی از تحریم است. تمام کسانی که در ساختار حکمرانی کشور در کار اجرایی دخالت دارند، چه دولت، چه مجلس و چه جاهای دیگر، هر کسی از تحریم حمایت کرد و گفت تحریم نعمت است دو حالت بیشتر ندارد، این یا از بودجه نفت حقوق می‌گیرد یا سرش در بودجه نفت

سازمان یا ارگانش است که اگر دولتی هم نباشد به شکلی ارتزاق می‌کند. این دغدغه معیشت، فقر، آسیب اجتماعی و هزاران دغدغه دیگر که مردم گرفتار آن هستند را ندارد و آن را نمی‌فهمد. کسی که با ماشینش می‌آید و یک ماشین جلوتر و یک ماشین عقبتر او را اسکورت می‌کنند چه می‌فهمد که مشکل حمل‌ونقل عمومی چیست و اصلاً کسی را نمی‌بیند. فهمی از فقر و فساد ندارد، چون در آن ساختار کار می‌کند. چرخ‌دنده‌های فساد به قدری در این ساختار قوی شده‌اند که هر کسی با هر پوزیشن و در هر جایگاهی بخواهد جلوی اینها بایستد این چرخ‌دنده‌ها او را خرد می‌کنند.

این قدرت از کجا می‌آید؟

از آنجا که صاحبان این قدرت خودشان عاملین این فساد هستند، خوب اگر آن اختیارات نباشد، اگر آن ساختار به شما اجازه ندهد که نمی‌توانید دزدی کنید.

شاید یک جریانی هم مایل نیست این روابط به سطحی برسد که تحریم‌ها برداشته شود.

عرض می‌کنم کسانی که مخالف این جریان هستند، خودشان بخشی از بدنه این قدرت و ساختار هستند. و کسانی که مقابله بکنند از ساختار حذف می‌شوند. همان‌طور که گفتم این چرخ‌دنده فساد به قدری در کشور نمایان و ساختارمند شده است که هر کسی را بخواهد ادعای مبارزه با فساد داشته باشد و بخواهد در ساختار تغییر ایجاد کند، خرد و او را لجن‌مال می‌کنند.

این چرخ‌دنده کجا متوقف می‌شود؟ اصلاً اهرمی هست که بتوان آن را متوقف کرد؟

اول باید اراده توقف به وجود بیاید و وقتی اراده به وجود بیاید دنبال اهرم هم می‌گردند و آن را پیدا می‌کنند.

چرا باید اراده‌اش به وجود بیاید؟

هزینه دارد.

اگر چشم به آن هزینه باز باشد، اراده به وجود می‌آید؟

شما بخواهید ساختار را اصلاح کنید باید خیلی هزینه بدهید و آن چیزی که از اول برای آن تعریف کردید اصلاً با ساختار شما همخوانی ندارد. وقتی انقلاب شد [یکی] از مباحث مطرح‌شده، عدالت بود...

جامعه بی‌طبقه توحیدی و عدالت است، اصلاً اساس انقلاب اسلامی بر این استوار است...

هیچ‌کدام از اینها نشد. بگوییم جنگ شد، تحریم شدیم و... ابزار آن وجود نداشت و عدالت برقرار نشد. اما تبعیض چطور؟ تبعیض را چه کسی ایجاد کرد؟ همین ساختار ایجاد کرد. تو نمی‌توانی به من بگویی جلوی امریکا، شرق و غرب بایست اما بچه من در آنجا می‌خواهد درس بخواند.

آن بچهای که مسوولش در خارج است فیش حقوقیاش مشخص است. چطور یورو و پوند یا آن طرف در انگلیس و امریکا دلار، اینها از کجا تامین میشود؟ حقوقش نمیرسد. یکی از اینها را بررسی کنند یا پرسش کنند تو که مسوول هستی بالفرض حتی وزیر هستی، بالاترین پایه حقوقی که در ساختار دریافت میکنید 30، 40 میلیون تومان است. پول زندگی بچه‌تان را از کجا تامین میکنید؟ این آدم مجبور به فساد است و باید زندگی بچه‌هایش تامین شود. من مخالف رفتن نیستم، اما کسی که...
اما يك سيستم اعتقادي‌اي درست شده که مخالف چنین سبک زندگی‌اي است؟!

بالفرض آن را حل کرده و در خودشان هم هضم کرده‌اند، از کجا درمی‌آورید و این پول را می‌دهید؟ پس مجبور هستید چهارتا کار دیگر انجام بدهید. از چهارتا رانت یا اتفاق دیگر استفاده کنید. تا زمانی که کشور ساختار حکمرانی‌اش از پایه نفت است، مانند خیلی کشورهای دیگر اگر بحث مالی تغییر نکند، هیچ اتفاقی در این کشور نمی‌افتد.

این هم خیلی ایده‌آل‌گرایانه نیست؟ ما اصلا افقی برای اینکه از نفت جدا بشویم نداریم، ترسیم آن هم خیلی سخت است.
خیلی از چیزهایی که ما در این سالها در این ۴۰ و خرده‌ای سال دیدیم، حرف‌های خوب، رنگی و قشنگی بوده است. همین طرح‌هایی که مدام تصویب میشود یعنی طرح برنامه‌های توسعه؛ همین برنامه‌های توسعه مختلفی که هست اگر می‌خواستیم آن برنامه‌های فانتزی و تخیلی را اجرایی کنیم، الان باید کجا می‌بودیم؟ شما با همین عراق جنگ‌زده مقایسه‌اش کنید. ما کجای کار هستیم؟ مگر برنامه توسعه نداشتیم؟ يك سري حرف‌های قشنگ هست که همه آن پوشش است، ابزاری است، یعنی جنبه رسانه‌ای دارد. طرح‌های مختلف بیاید و... جنبه دقیق و روشن کارشناسی ندارد. کشور را با آرمان، شعار و آرزو نمی‌شود اداره کرد. کشور را باید با واقعیت و فکت اجرا اداره کرد، باید برنامه عملی داشته باشید. این میشود که وضعیت ما میشود الان. طرح‌های توسعه قطر و عربستان را نگاه کنید برای پنج سال آینده چه طرح‌های عجیب و غریبی در حوزه نفت و گاز دارند، عجیب است که کجاها را می‌بینند. ما الان چند سال است درگیر این هستیم که کره آن هفت میلیارد ما را ال‌جی و سامسونگ بدهد یا از يك کشور دیگر طوری بدهد که روی هفت میلیارد ما نظارت کند. اصلا هفت میلیارد برای ما پول است...
در کلان کشور خیر.

با این همه سرمایه... نتیجه همه این داستان‌ها این است که آن کارشناس امنیتی و افسر اطلاعاتی به من بگوید که معاند یا ضدانقلاب هستی. خب در آخر که چه، چند هزار نفر از نخبه‌های کشور رفتند؟ به

جاي اينكه اين همه سال وقت را تلف كني، ميديديد جواناني كه پرورش ميدهيد و به اينجا ميرسانيد و بابت آنها اين همه ميليارد ميليارد هزينه ميكنيد، عامل رفتنشان چيست. به فرض كه من حرف نزد، توييت نزد و ننوشتم، آيا مشكل حل ميشود؟ شما ديگر مشكلي نخواهيد داشت؟ تمام مشكل جمهوري اسلامي ايران من هستم كه يك توييت بزنم يا نزنم و در مورد چيزي اظهارنظر بكنم يا خير. الان شرايط به شكلي شده... اين را جدي عرض ميكنم، خصوصا در سالهاي اخير، اين دولت و آن دولت هم ندارد. براي اينكه نهاد امنيتي توجهش به اين دولت و آن دولت نيست و كار خودش را ميكنند؛ هزينه ماندن من در كشور خيلي خيلي بيشتر از هزينه رفتن من است. اينها كاري ميكنند كه برانند. فشارهايي كه به همان سه، چهار نفري كه خدمت شما عرض كردم ميآورند... آقا به چه زباني بگويند كه بلند شويد برويد. دو دوتا چهارتا بكنيد. آقاي روحاني چند بار با آقاي جهانگيري در مناظرهها همان پرونده املاك نجومی را مطرح كردند؟ چند بار سر قاليباف فریاد ميزد كه با املاك مردم چه كرديد؟ در همان دولت و در ادامه در همين دولت، به من مجوز يك سايت خبري نميدهند. يعني از يك سايت خبري ساده تر و دم دستي تر چه چيزي داريم؟ من نه خواسته ام روزنامه بود و نه خواستار خبرگاري [بودم]...

در قوانين اعطاي مجوز بحث محكوميت منعي نميآورد؟

من اصلا محكوميتي ندارم، همه محكوميتهاي من نقض شد.

چون به نظر ميآيد در حوزه احزاب صرف بازداشت هم مي تواند

مساله ساز باشد.

خيلي از افراد، همين روزنامه نگارهاي مختلف كه يك باره بازداشت ميشوند، ميبرند و ميآورند. اصلا صدا كنند و بگويند به تو مجوز نميدهيم. نه در آن دولت و نه در اين دولت به من مجوز سايت خبري ندادند. من اين مطالب را كجا اعلام كنم؟ غير از توييت يا فضاي مجازي چه چيز ديگري دارم؟ اگر نميخواهند كار كنيم كه نمي توانند بگويند كار نكن، چون شعار آن را ميدهند و نان بحث مبارزه با فساد را ميخورند.

نگاه كلي اين است كه افشاگر فساد بايد چارچوبهاي وابستگي به سيستم را داشته باشد و شايد امثال شما چنين چارچوبي را نداريد و نميخواهند اين پروندهها از جانب شما افشا شود. البته منظورم شمائي نوعي است. چون اين اتهام هم مطرح است كه بخشي از سوتزنها استقلالي از سيستم ندارند.

موضوع استقلال نيست. موضوع اين است كه بايد به حدي از خودگذشتگي برسيد (البته فقط بحث وقت نيست بلكه بحث آرامش خانوادگي، رفت و آمدهايي كه عرض كردم و هزار اتفاق ديگر [هم در ميان است]) كه به

تنهائي خيلي سخت است و خيلي بايد... من ميگويم از خودگذشتگي...
مساله همين است كه اصلا دليلي نمي بينند كه سوتزن تنها وجود
داشته باشد.

تحمل نميشود...

به خاطر اينكه چهره هايي هستند كه اين ردا براي شان دوخته ميشود
و به آنها اين پوشش... حالا من اصلا پوشش نميگويم، به آنها اين نقش
داده ميشود كه بايد رصد كنيد و اطلاع بدهيد. اما آن شخص يا اصلا
سوتزني كه خيلي مستقل از سيستم نباشد، ميداند آن دايره اي كه بايد
در موردش سوت بزند، كجاست. اما شما اين دايره را رعايت نميكنيد.
اين دايره خيلي كوچك بود، اما خيلي بزرگ شد. وسعت [فعاليت مان] را
عرض ميكنم. وسعت فعاليت ما نسبت به پنج، شش سال پيش خيلي بزرگ
شده است. مگر آن موقع به اين راحتي ميشد راجع به يك مقام دولتي
به اين شكل صحبت [کرد]. الان من خودم شخصا در مورد هر كسي بخواهم
صحبت كنم، توييت ميزنم و صحبت ميكنم.

و شما اين را دستاورد ميدانيد؟

بله در همان كشورهاي مترقي و مدرني كه مثال ميزنيد، يك باره كه
دولت در را باز نكرده، بگويد جامعه مدني بفرمايد بسم الله. در
همان دولتها هم جامعه مدني مطالبه گر بودند و به زور از حاكميت و
قدرت اين اختيارات را به نفع خودشان گرفتند. من اگر اينجا
مانده ام اميدم اين است كه 10 سال ديگر بتوانم قدمي جلوتر بيايم.
من اگر ملي فكر كنم و دغدغه ام منافع ملي باشد نه جرياني، حزبي،
باندي، اين سيستم و آن سيستم، من اگر ملي فكر كنم با همه
هزينه هايي كه دارد، بله مي ايستم تا ۱۰ سال آينده شايد بتوانم يك
قدم جلوتر بيايم.

پس اميدوار هستيد؟

من براي خودم اميدوارم، اگر اميد نباشد كه اصلا نميشود ادامه داد.
با همه اين فشارها و مسائل و مشكلاتي كه وجود دارد، بايد اميد
داشته باشيم، وگرنه لاي آن چرخنده ها نابود ميشويم.

من تصورم اين است كه اين چرخنده از طرف تحريم و مسائلي از اين
دست تغذيه ميشود. شما افقي مي بينيد كه روزي برسد كه تحريمها
نباشد تا سرعت اين چرخنده هم مقداري كند شود؟

بخشي از حاميان تحريم الان خودشان مسوول رفع تحريم شده اند كه اين
تناقض است. تناقض سرتاپاي سيستم در بخشهاي مختلف وجود دارد. اين
هم يكي از همان بخشهاست. كساني كه اعتقادي به آن تحريم، ساختار و
گفتوگوها نداشتند الان مدافع اين تحريم شده اند. من البته اميدوارم
اشتباه کرده باشم، اما در ساختار فعلي دولت اميد به اصلاح و رفع

تحریم را نمی‌بینم زیرا بخشی از شبکه دوزننده تحریم و بخشی از افرادی که سالیان سال به بهانه رفع تحریم شبکه ایجاد کردند، درآمدهای وحشتناک و خیلی زیادی داشتند، این شبکه الان بخشی از دولت شده و قطعاً ساختارش قدرتمندتر می‌شود. شما فکر کنید شبکه‌ای که در طول سال چند میلیارد دلار درآمد دارد در قیل رفع تحریم آیا حاضر است این منافع را کنار بگذارد و رفع تحریم صورت بگیرد و خودش در ساختار بیاید و خیلی راحت رایگان نفت بفروشد، نفت را به قیمت واقعی خودش بفروشد؟ پس بحث منافع ملی در اینجا دیده نمی‌شود و بحث منفعت است و ما تا این مصیبت‌ها را در کشور داریم هیچ آمیدی هم به اصلاح وجود ندارد چون در فکر این هستید که چگونه امروز را به فردا بکشانم. از بورس کلاهبرداری می‌کنید، از مردم که بتوانید بودجه‌تان را تامین کنید. انواع و اقسام مالیات‌ها را... به عنوان وزیر مصاحبه می‌کنید که ما میدانیم چه کسی از کجا نان می‌خورد و از کدام نانوايي نان می‌خرد. خب چرا آن طرف را نگاه نمی‌کنید که چند نفر هستند که حتی آن نان را ندارند بخورند، آیا آنها را هم شناسایی کرده‌اید؟ دنبال رفع مشکل فقر هم در آن حوزه بوده‌اید؟ یعنی شناسایی شما برای گرفتن تا حدی است که من از کدام نانوايي نان می‌خرم و چیزی که باید به من بدهید چطور؟ اینها بخشی از ساختار معیوبی است که در مورد آن صحبت می‌کنیم و این ساختار به این راحتی تا زمانی که مسائل به این شکل حزبی و شعاری بخواهد مطرح شود اصلاح نمی‌شود.

ما امیدواریم که شما اشتباه نکنید، اما ممنونیم از زمانی که در اختیار ما گذاشتید.

من هم حتماً امیدوارم که اشتباه کرده باشم.

اصلاً من تعجب نمی‌کنم که خاوری فرار کرد. اصلاً در آن پرونده اتفاقی نیفتاده بود. يك فیش نشان بدهند که از آن سه هزار میلیارد 10 هزار تومان کم شده است. اصلاً پولی کم نشده است. نهایتش يك تخلف در بخش بانکداری بود. يك تخلف بود. که رییس يك شعبه خارج از اختیاراتش آمد... من نمی‌گویم رشوه داده شد یا نشد، هزار تا اتفاق دیگر... رشوه در ساختار به شکلی جا افتاده که اگر نباشد متأسفانه هیچ کاری جلو نمی‌رود. اما اصلاً در پرونده سه هزار میلیاردی هیچ اتفاقی نیفتاد.

شما الان عفونتی را که بالا زده است، می‌بینید. عرض کردم خدمت شما که ساختار را گرفته است پس یا باید قوانین را به شکل صحیح و

درست اصلاح کنید، [یا] حدود و اختیارات صندلی‌هایی را که افراد می‌نشینند، بگیرید و محدود کنید و آدم‌ها را پاسخگو کنید؛ یکی از نشانه‌های خیلی جدی که در ساختار جمهوری اسلامی ایران وجود دارد این است که آدم‌ها پاسخگوی عملکرد خودشان نیستند. کدام فردی را به خاطر اشتباهات یا تخلفات متعدد محاکمه کرده‌اند...

ما در دهه 70 بحث آقای کرباسچی شهردار وقت تهران را داشتیم که به رغم انتقاداتی که [درباره] شیوه شهرسازی ایشان و تفکر و شیوه پول درآوردن از شهر وجود داشت، به‌رغم تمام آن انتقادات دادگاه‌شان برگزار شد و قاضی پرونده‌شان هم آقای محسنی‌اژه‌ای بودند که الان رییس قوه قضاییه هستند. اگر بخواهیم نوع شیوه مبارزه با فساد و نوع نگاه را مثال بزنیم، يك تفاوت خیلی خیلی آشکار از دهه 70 تا اواخر دهه 90 که شاهد يك بوق و کرنای مبارزه با فساد بودیم وجود داشت و آن تفاوت این بود که فکر می‌کنم ساعت 9 یا 10 شب بود که تمامی مراحل رسیدگی به دادگاه به صورت کامل در تلویزیون پخش شد.

هنوز که هنوز است آن افسر اطلاعاتی، مامور امنیتی، کارشناس پرونده، ضابط قضایی، بازپرس پرونده، قضات مختلف بدوی، تجدیدنظر، دیوان و... جایی که ما همیشه با اینها سروکار داریم و درگیریم، برای هر يك از آنها باید سه، چهار ساعت وقت بگذاریم و بحث مبارزه با فساد را برای‌شان تشریح و آنها را قانع کنیم که نیت و هدفمان خیر است.